

# نظم پریشان

یکی از بیماری‌هایی که کاربران اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات دچار آن می‌شوند، دانلود دائمی انواع و اقسام کتاب‌ها، موسیقی‌ها، فیلم‌ها و امثال این‌هاست. آن‌ها گاه زیر آواری از داده‌ها گرفتار می‌شوند و نمی‌دانند با آن حجم عظیم، که وقت زیادی هم برای جمع‌آوری‌شان صرف کرده‌اند، چه کنند.

در ایام جوانی در کتاب «امدادهای غیبی در زندگی بشر»، نوشته‌ی استاد شهید مطهری خوانده بودم که «انسان‌های رشید از حافظه‌ی خود بهره‌برداری صحیح می‌کنند ولی آدم‌های غیررشید ممکن است حافظه‌ی بسیار نیرومندی داشته باشند، اما نتوانند از آن استفاده کنند. آدم غیررشید تصور می‌کند حافظه یک انبار است؛ انباری که باید دائماً آن را پر کند، هر چه پیدا کرد آنجا پرت کند. عیناً مانند انبار یک خانه که احياناً وارد می‌شوی می‌بینی یک تکه حلی، یک قطعه فلز، یک میز شکسته، یک صندلی شکسته در آنجا افتاده است، اما آدمی که رشید باشد در بهره‌برداری از حافظه‌ی خود دقت می‌کند. اولین کاری که انجام می‌دهد، عمل انتخاب است؛ یعنی حافظه‌ی خود را مقدس می‌شمارد و حاضر نیست هرچه شد در آن سرازیر کند.»

در این شماره سعی شده است به برخی از نمونه‌هایی که فناوری به ما امکان مدیریت بهتر داده‌ها را می‌دهد، اشاره کنیم. باشد که بهره‌شایسته‌ای از سرمایه‌ی عمر - که مهم‌ترین سرمایه‌ی بشری است - ببریم و دچار خسران نگردیم.

در ایام کودکی هر سال کمی قبل از مهرماه برای خرید لوازم‌التحریر به مغازه‌ای در نزدیکی خانه‌مان می‌رفتم. در این مغازه همه چیز پیدا می‌شد؛ از مرکب و خشک‌کن گرفته تا عکس حیوانات و انواع و اقسام دفترها و مدادها. مغازه چنان در هم و برهم بود که تنها صاحب مغازه می‌توانست و می‌دانست که لوازمش را کجا قرار داده است. هرچه می‌گفتید، او برای شما از لابه‌لای مقواها و دفترها و کتاب‌ها می‌آورد و من همیشه متحیر بودم که چرا یک بار مغازه‌اش را مرتب نمی‌کند.

خاطرم هست که یک بار پرسش که از خارج کشور آمده بود، مغازه را برایش مرتب کرد، ولی می‌گفتند که با این کار مغازه‌دار مریض شده است. این طور بود که دوباره مغازه به همان حال و هوای قبلی برگشت. گویی او این نظم پریشان را دوست داشت و بی آن نمی‌توانست سر کند. بزرگ‌تر که شدم، برایم نظم و مرتب کردن کتاب‌هایم به صورت مشکلی درآمد. به خصوص که محل خانه‌مان هم هر چند سال تغییر می‌کرد و یک جا ماندگار نبودیم. وقتی رایانه خریدم، این مشکل از جنس دیگری برایم حادث شد؛ آن همه فایل را نمی‌دانستم چگونه تنظیم کنم. برای خودم تقسیم‌بندی‌هایی کرده بودم، ولی گاه این تقسیم‌بندی‌ها هم یادم می‌رفت. تا اینکه «گوگل دسکتاپ» آمد و کمی خیالم راحت شد که اگر هم فایل‌ها را در پوشه‌ای قرار داده باشم و یادم رفته باشد، با گوگل دسکتاپ آن را پیدا می‌کنم ولی به نظر می‌آید که این نظم پریشان همیشه کارآمد نیست. باید از فناوری برای کنترل و انتظام انواع و اقسام داده‌هایی که خود فناوری مولد آن‌ها بوده است، بهره گرفت.